



تأثیر ژئوپلیتیکی جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر امنیت ملی ایران

محمد رئوف حیدری فر

دانشیار دانشگاه پیام نور، روانسر

فرزاد رضایی

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور روانسر

چکیده

بحران اوکراین یک موضوع مهم در عرصه جهانی است. این تحقیق بر آن است تا انگیزه های روسیه باری حمله به اوکراین و بازتاب آن را بر امنیت ملی کشورمان ارزیابی کند. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های پژوهش حاصل مطالعات کتابخانه ای-اسنادی است. یافته های تحقیق با استفاده از تحلیل عقلانی میسر شد. نتایج نشان داد انگیزه های کرمین برای حمله به اوکراین دارای ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، ژئوکالچرو غیره می باشد. هم چنین مشخص گردید حمله روسیه به اوکراین می توانست فرصت های قابل توجهی در اختیار ایران قرار دهد که نتوانست از این فرصت ها ب نفع منافع ملی استفاده کند. از سوی دیگر با حمایت های جنبی از روسیه در این جنگ، سبب شد بسیاری از تهدیدها بر علیه امنیت ملی و منافع ملی کشورمان شکل بگیرد که در متن پژوهش به کلیه این موارد اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک جنگ ، روسیه ، اوکراین ، امنیت ایران، منطقه ژئوپلیتیک.



مقدمه

بیان مسأله

اوکراین در زمان اتحاد جماهیر شوروی، از نظر سیاسی و اقتصادی پس از روسیه دومین قدرت بزرگ در آن مجموعه بود، اگرچه به لحاظ وسعت پس از قزاقستان در جایگاه سوم قرار داشت. این کشور به لحاظ وسعت بعد از فرانسه دومین کشور بزرگ اروپا است. بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی کی‌اف همواره میان غرب و جمهوری فدراتیو روسیه در نوسان بوده است (حلالخور و سعیدی راد، ۱۴۰۱). دولتمردان اوکراینی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند در روابط خارجی به تعادلی پایدار برسند تا از حساسیت‌های روسیه و کشورهای غربی نسبت به کشور خود بکاهند (سمیعی اصفهانی و فرحمند، ۱۴۰۱). یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تعادل مذکور ترکیب جمعیتی اوکراین است. زیرا به لحاظ ویژگی‌های جمعیتی و زبانی، اوکراین به دو دسته تقسیم شده است: یک دسته ساکنان بخش‌های شرقی و جنوبی اوکراین از جمله شبه جزیره کریمه و شهر سواستوپل است که اکثراً روس زبان و بیشتر ارتدوکس می‌باشند. این گروه سخت‌تر طرفدار روسیه‌اند. دسته دیگر، ساکنان بخش‌های غربی اوکراین‌اند که بیشتر کاتولیک و طرفدار نزدیکی روابط با غرب می‌باشند. وجود این دوگانگی جمعیتی سبب می‌شود تا هر یک از این دو طیف گرایش به روسیه یا اروپای غربی را برطرف کننده مشکلات خود بدانند. به علاوه قربت جغرافیایی اوکراین با قدرت‌های بزرگ این سرزمین را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های اصطکاک قدرت‌ها (به سرکردگی روسیه و آمریکا) تبدیل کرده است (باتامانقلیدج^۱، ۲۰۲۲). کشور اوکراین با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی که دارد در سیاست خارجی روسیه و آمریکا از جایگاه مهمی برخوردار است. به طوری که پس از استقلال اوکراین، سیاستمداران کاخ کرملین این جمهوری را ملتی مستقل از روس‌ها نمی‌پنداشتند. ایالات متحده آمریکا نیز با هدف برقراری هژمونی خود در صدد غربی سازی اوکراین و مقابله با نفوذ سنتی روسیه در این کشور است. بحران اوکراین جدی‌ترین تنش در روابط مسکو و غرب بعد از جنگ سرد بشمار می‌رود (حاجی مینه، ۱۴۰۱). اگرچه برخی بحران‌ها همانند بحران اوکراین به صورت ناگهانی شعله ور می‌شود؛ اما با کنکاوی در دلایل بروز بحران ریشه‌های قبلی آن نمایان می‌گردد که بذر بحران اوکراین در انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ پاشیده شد و پس از طی مراحل به وضعیت کنونی رسید. با این وجود بحران سال ۲۰۱۴ در اوکراین ابتداءً یک مساله داخلی بود اما باتوجه به موقعیت راهبردی این کشور و بازی ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی تبدیل به یک چالش بین‌المللی شد. بنابراین دامنه پیامدهای بحران اوکراین فراتر از اروپای شرقی است. همچنین با نیم‌نگاهی به بحران‌های خاورمیانه (لیبی، سوریه، عراق و یمن) در هم تنیدگی و پیچیدگی این بحران‌ها آشکار می‌گردد. به طوری که منافع بازیگران متعددی با درجات کم و زیاد از این بحران‌ها متأثر شده است (میکویل^۲، ۲۰۲۲). در این میان کشورهای همانند ایران که در روابط میان روسیه و غرب جایگاه مهمی دارند خواه ناخواه تحت تاثیر این رقابت‌ها قرار می‌گیرند. ساختار کنونی نظام بین‌الملل، دوقطبی نیست که کشورها مجبور به طرفداری از یک طرف درگیر باشند. اما منافع کشورهایی که عمده رفتارهای آنها بازخورد بین‌المللی دارد تحت تاثیر بحران‌های دامنه داری مانند اوکراین قرار خواهد گرفت. اوکراین دارای مرز مشترک با ایران نیست و در محیط منطقه‌ای ایران قرار نمی‌گیرد. لذا بیشتر در پرتو رقابت آمریکا و روسیه بر سر اوکراین منافع ایران نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

اهمیت موضوع

جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل‌گیری تاکنون، به بسیاری از قواعد نظم بین‌الملل اعتراض داشته و آنها را نابرابر و به نفع قدرت‌های بزرگ می‌داند. تنش میان مسکو و غرب در اوکراین از آنجا که یک قدرت بزرگ را در برابر ناظم نظم کنونی قرار داده است با اهداف کلی ایران در سطح بین‌المللی همخوانی دارد. پوتین در جریان امضای توافق الحاق کریمه، با تاختن به رویکرد یک جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، گفت «غربی‌ها به رهبری آمریکا فکر می‌کنند که از سوی خدا مأمور شده‌اند

¹ Batmanghelidj

² Miguel



تا دربارهٔ سرنوشت مردمان دیگر تصمیم بگیرند. وی همچنین عنوان کرد که غربی‌ها دائماً تلاش کرده‌اند ما را به گوشه‌ای برانند، به خاطر اینکه بر استقلال خود ایستاده و از آن دفاع می‌کنیم» (راتا^۱، ۲۰۲۲). رئیس‌جمهور روسیه به صراحت رویکرد یک جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل را مورد هدف قرار داده به طوری که اظهار نمود که «به نظر من، وقتی جهان تک قطبی شود یا از زمانی که کسی تلاش کند آن را به این شکل دربیابود، همواره یک قطب این توهّم را دارد که همهٔ مسائل را می‌توان از طریق قدرت حل و فصل نمود». پوتین یکی از ویژگی‌های مهم نظم جهانی مطلوب خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «تنها زمانی که یک توازن قوا وجود داشته باشد، شرایط مطلوب برای مذاکره در مورد مسائل جهانی فراهم می‌شود» (تبریزی، ۲۰۲۲). این سخنان در راستای خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون بوده است. اینکه رئیس‌جمهوری یک قدرت بزرگ نیز در مورد عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی کنونی، به زبانی مشابه با زبان ایرانی‌ها حرف می‌زند، حائز اهمیت است. (دنیل^۲، ۲۰۲۲). اهمیت و ضرورت اصلی پژوهش شامل:

- ۱- تفکر اوراسیاگرایان حاکم بر روسیه فعلی این است که جهانی شدن همان غربی شدن و آمریکایی شدن است که باید در مقابل آن ایستاد. این نگاه با نگرش جمهوری اسلامی در مورد نظم جهانی قرابت زیادی دارد.
- ۲- با افزایش مقاومت‌ها در برابر نظم بین‌المللی فعلی، فشارها بر جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مخالفان اصلی این نظم تعدیل می‌شود و امکان انتخاب‌های متنوع تری را برای کشور در روابط خارجی فراهم می‌آورد.
- ۳- یکی از بدترین اثرات جنگ اوکراین، بحران امنیت غذایی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه به دلیل جنگ است.
- ۴- یکی دیگر از تأثیرات مهم جنگ، تحولات در حوزه انرژی است.

ادبیات و پیشینه

کلانتری، منفرد (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی پرداختند. راهبرد اصلی روسیه در طی سال‌های گذشته جلوگیری از پیشروی و نفوذ ناتو به شرق و محیط امنیتی نزدیک روسیه و ممانعت از پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا بوده است. بر این اساس، طی آغاز یک عملیات ویژه که از نظر کرملین، اقدامی پیش‌گیرانه برای جلوگیری از تهدیدهای آتی قلمداد می‌گردد، جنگ بین روسیه و اوکراین آغاز شد. هدف اصلی تحقیق تبیین ویژگی‌ها، سناریوها و اهداف جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی است. نوع پژوهش کاربردی است و به روش اکتشافی و تحلیل محتوا، بصورت کیفی نظام مند انجام گردیده است. جنگ بین روسیه و اوکراین فرسایشی و هر دو کشور عملاً در باتلاق جنگ گرفتار شده‌اند. آنچه امروز بر سر اوکراین آمده است، نتیجه اعتماد به غرب است. روسیه سه هدف حداکثری، متوسط و حداقلی را در این جنگ دنبال کرد که به هدف حداقلی یعنی کنترل منطقه دونباس رسیده است. روسیه از نظر شکل نظامی برنده حداقلی جنگ بوده، اما از منظر «جنگ روایت‌ها» شکست خورده است. دکترین نظامی اوکراین از «تدافعی به تهاجمی تغییر یافته است». دکترین نظامی روسیه از حالت «تهاجمی به تدافعی» تبدیل شده است. نتیجه اولیه این جنگ شکل‌گیری نظم چند قطبی و پایان نظم تک قطبی با محوریت آمریکا است.

سمیعی و فرحمند (۱۴۰۱) در پژوهش به تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید» پرداختند. حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، بزرگترین بسیج نظامی در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید. مداخله و افزایش نفوذ غرب (آمریکا، اتحادیه اروپا و بازوی نظامی آن ناتو) در حوزه‌های امنیت روسیه، نگرانی‌های جدی و حیاتی را برای این کشور ایجاد کرده است به نحوی که نظریه پردازانی چون استفان والت معتقدند مسیری که دولت‌های غربی دنبال می‌کنند برداشت روسیه از تهدید را تقویت می‌کند، بویژه گسترش ناتو به شرق تحریکی جدی است که سطح اعتماد متقابل را کاهش داده است. از این رو، مسکو تصور می‌کند حوزه نفوذ و حیات خلوت این کشور روز به روز

¹ Ratha

² Daniel



تنگ تر می شود. با این وصف، پژوهش پیش رو می کوشد تا با بهره گیری از رویکرد نظری موازنه تهدید استفان والت بر پایه ۴شاخصه (۱) قدرت کلی (۲) مجاورت جغرافیایی (۳) قدرت تهاجمی و (۴) نیت تهاجمی، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که علل و انگیزه های تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ چه بوده است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد درک تهدید و خطرات ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و بویژه اوکراین باعث شده است که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و در نهایت باعث تهاجم روسیه به اوکراین گردد.

سلیمانی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تحلیل حمله روسیه به اوکراین از منظر امنیت انرژی ایران پرداخت. حمله روسیه به اوکراین و احتمال تداوم آن در آینده، نظم جدیدی در بازار جهانی انرژی ایجاد کرده که یکی از مهم ترین آثار آن، رشد سریع قیمت انرژی (از جمله نفت و گاز) در جهان است. به نظر می رسد روند بالا بودن قیمت های انرژی همچنان ادامه خواهد داشت. با شروع جنگ اوکراین، روسیه برای کاهش آثار تحریم های اتحادیه اروپا، تمرکزش را بر فروش نفت به هند و چین که مقاصد اصلی صادرات نفت کشورمان هستند و ارایه تخفیف های شایان توجه قرار داده است. روند تخفیف نفت خام روسیه و مشخصات نفت صادراتی این کشور که نزدیک به نفت صادراتی ایران است، زنگ خطر جدی برای صادرات نفت ایران به ویژه در بازار چین است که کاهش فروش نفت کشورمان در چند ماه اخیر از پیامدهای آن است. از منظر صادرات گاز، تغییر مسیر صادراتی روسیه از اروپا به آسیا در میان مدت اجتناب ناپذیر است، اما با ادامه ناترازی گاز در ایران و قطع مکرر صادرات، این تغییر استراتژی روسیه به قیمت تصاحب بازارهای فعلی صادرات ایران (ترکیه و عراق) تمام می شود. در این راستا، (۱) به کارگیری دیپلماسی فعال انرژی برای حفظ مشتریان راهبردی نفتی از جمله چین و هند، (۲) استفاده از تهاوت کالا بین ایران و روسیه با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی و (۳) توجه به نظم جدید بازار گاز و برنامه ریزی برای تولید و صادرات ال ان جی در میان مدت توصیه می شود.

سمیعی اصفهانی و فرحمند، (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین المللی پرداختند. جنگ در اوکراین، اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپا-محور به شمار می آید، اما در عمل درگیری «قدرت جهانی» است که حول محور فروپاشی پیش بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می کشد. در چنین شرایطی نگرش، رفتار و عملکرد بازیگران درگیر در جنگ، پیامدهای مهمی می تواند برای آینده سیاست جهانی در پی داشته باشد.

حاجی مینه، (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین پرداخت. جنگ اوکراین که با حمله روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین آغاز شد، نقطه عطف مهمی در نظم بین الملل قلمداد می شود و برخی آن را «سرآغاز جنگ سرد جدید» و برخی دیگر «مقدمه احتمالی ورود به جنگ جهانی سوم» می دانند. این رویکردها و خوانش های مهم نشان از اهمیت این جنگ دارد. اغلب نوشته ها در کنار پرداختن به علل شروع جنگ، به پیامدهای آن از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی و امنیتی به خصوص امنیت غذایی توجه کرده اند. یکی از پیامدهای مهم این جنگ علاوه بر تاثیر بر روابط دوجانبه روسیه و اوکراین، تاثیری است که می تواند بر روابط چندجانبه و امکان جبهه بندی های جدید در ساختار قدرت و نظم منطقه ای و جهانی داشته باشد. در این خصوص رفتارشناسی ترکیه، با توجه به عضویت در ناتو و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک [این کشور] اهمیت شایانی دارد. بنابراین پرسش اصلی مقاله این است که سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین چگونه بوده است؟ فرضیه اصلی مقاله نیز با استفاده از روش تاریخی تبیینی و استفاده از چارچوب نظری واقع گرایی و رویکرد مصون سازی منافع ملی این است که جنگ اوکراین با ایجاد تهدیدها و فرصت های هم زمان برای منافع ملی ترکیه باعث شده است که این کشور سیاست میانجی گری و توازن را برای کاهش تهدیدها و افزایش فرصت های این جنگ پیش بگیرد. در همین راستا، یافته های مقاله نشان می دهد جنگ اوکراین ضمن افزایش اهمیت ژئواستراتژیک ترکیه در عرصه ژئوپلیتیک و ترانزیت انرژی، نقش آنکارا را به عنوان یک قطب سوم و میانجی پررنگ کرده است.



رضاداد، (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی جنگ اوکراین؛ درآمدی بر نظم جهانی جدید پرداخت. جنگ اوکراین نمادی از جهان دوقطبی را ترسیم می کند که مخالفت با هژمونی آمریکا در کانون راهبردی آن قرار دارد. تعمیق فزاینده ائتلاف بین روسیه و چین با رویکرد جایگزینی ارزهای ملی به جای دلار در معاملات تجاری فیمابین دو کشور طلایه دار جهان چند قطبی است که جایی در آن برای کشور مدعی رهبری جهان وجود ندارد. این وضعیت باعث نگرانی فزاینده آمریکا از ائتلاف روسیه و چین به ویژه پس از حمله روسیه به اوکراین شده است و بیانگر گذار جهان از وضعیت باثبات نسبی به یک حالت بی ثبات است. جنگ طرفین در میدان اوکراین بی نتیجه بودن تلاش های آمریکا و متحدان آن در مهار روسیه و نظم نوین آمریکایی در سطح اروپاست. روسیه و بازیگران هم فکر آن نه تنها خواهان بازی با قواعد آمریکایی در زمین اروپا نیستند بلکه کنشگری آنها در تعیین نوع و ماهیت پیامدهای احتمالی این جنگ و تاثیر آن بر نظم جدید تعیین کننده خواهد بود.

اهداف پژوهش

هدف کلی:

تاثیر ژئوپلیتیکی جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر امنیت ایران
اهداف اختصاصی:

- ۱- بررسی علل وقوع جنگ روسیه علیه اوکراین
- ۲- بررسی نقش تقابل روسیه و آمریکا در بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر نوع، توصیفی و از نظر ماهیت، کاربردی است. لذا برای بررسی اهداف و فرضیات در نظر گرفته شده، محقق نیازمند بهره گیری از مجموعه ای از اطلاعاتی است که به صورت توصیفی- تحلیلی به دست می آید. داده های پژوهش شامل داده های حاصل از فیش برداری به روش کتابخانه ای (بهره برداری از کتب، مقالات، رساله ها و ...) می باشد. به منظور تحلیل اطلاعات اولیه محقق از روش استقرایی و تحلیل عقلانی استفاده نمود.

یافته ها

-بررسی علل بروز جنگ روسیه علیه اوکراین
هم زمان با افزایش تخاصمات حاصل از حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، به وضوح می توان بر فعالیت فزاینده شاخص ترین گسل ژئواستراتژیک جهان در قلب اروپای شرقی و خط مرزی هارتلند صحنه گذاشت (میری و امیدی، ۱۴۰۱). جنگ روسیه علیه اوکراین از منظرهای مختلف قابل بررسی است. اما بررسی موضوع از دیدگاه علوم سیاسی و از منظر ژئوپلیتیک و شاخه های آن دیدگاهی روشن تر و کامل تری نسبت به موضوع ارائه خواهد داد. محقق در ادامه با استفاده از مطالعات متعدد علل جنگ روسیه علیه اوکراین را در عوامل علل ژئوپلیتیک، اقتصادی و ژئواکونومیکی دید(موسانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۰۸).

۱- دیپلماسی ریوانشیسست:

برتران بدیع^۱ از دیپلماسی ریوانشیسست صحبت به میان می آورد و آن را به مثابه واکنشی بدیهی نسبت به گونه ای از تحقیر متحمل شده در روابط بین الملل تحت عنوان تنزل موقعیت در نظر می گیرد. بنا بر دیدگاه وی منظور از تنزل موقعیت،

¹ Bertrand Badie.



تحلیل بی‌رحمانه کاهش جایگاه و مقام در رتبه‌بندی قدرت‌ها به کشور شکست‌خورده می‌باشد (عباس^۱، ۲۰۲۰: ۶۹). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و کنش‌های سیاسی آمریکا و متحدان نسبت به جانشینی سیاسی آن، همواره به عنوان دو محرک بالقوه در تبلور سیاست ریوانشیسست امروزه مسکو عمل کرد است. ترکیب این دو گزاره، استنباط تحقیری جدی را در ذهنیت محافظه کاران پسا یلتسین به رهبری پوتین به همراه داشت (میری و امیدی، ۱۴۰۱). از این‌رو، تجلی اندیشه ریوانشیسست در سیاست خارجی روسیه به منظور برقراری توازن مجدد قدرت با ایالات متحده و ناتو و بازتعریف جایگاه کشور در نظام بین المللی پس‌ادوقطبی، کاملاً توجیه‌پذیر گردیده است. بر همین اساس، حوزه جغرافیایی شرق اروپا به‌عنوان شاخص‌ترین گسل ژئواستراتژیک موجود در میان روسیه بری و ایالات متحده و ناتو بحری، امروزه به محور سیاست ریوانشیسست مسکو بدل گردیده است. ساختار نظری حلقه هویتی ژئوکالچرال به‌عنوان نخستین مورد، تمامی واحدهای سیاسی استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی در شرق و قسمتی از شمال اروپا (بالتیک) که از پیوندهای فرهنگی گسترده با روسیه کنونی برخوردار می‌باشند را در بر می‌گیرد (کندریک^۲، ۲۰۲۲: ۹۸). از میان شش کشور حاضر در این حلقه شامل اوکراین، بلاروس، استونی، لتونی، لیتوانی و مولداوی، دو مورد نخست اساساً از مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی بسیار نزدیک با هویت روسی برخوردار می‌باشند. روس‌ها بر تقارب فرهنگی به منظور توجیه کنش‌های ریوانشیسست متمرکزاند که توانسته سبب اقدامات واکنشی روسیه شود. روسیه به دلیل تحقیر شدن در نظام بین الملل و حذف شدن از قدرت در عرصه نظام بین الملل به ویژه با حذف نظام دو قطبی تصمیم گرفت تا به اشکال مختلف به صحنه باز گردد در این راستا استفاده از جنگ یکی از حربه‌های تلاش کشورها به منظور قدرت گرفتن در نظام بین الملل است که روسیه از این منظر با توجه به ویژگی‌های خاص اوکراین، اقدام به جنگ با این کشور نمود.

۲- امنیت محیط پیرامونی روسیه

اوکراین با قرار گرفتن در جنوب غربی روسیه به گونه‌ای دروازه اصلی غرب به روسیه و برعکس است. این کشور عمق استراتژیک روسیه است و به عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند (سمیعی و فرحمند، ۱۴۰۱: ۱۸). اوکراین یکی از کانون‌های مهم بحران و اصطکاک منافع قدرت‌های بزرگ می‌باشد. با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک اوکراین متغیرهای نظام بین‌الملل از اهمیت خاصی در تبیین این تحولات و بحران‌ها برخوردارند. انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ اوکراین و سقوط حکومت منتخب در فوریه ۲۰۱۴ (که روس‌ها از آن به عنوان کودتای غرب یاد می‌کنند) را می‌توان دو تحول بنیادی نه تنها در اوکراین، بلکه در حوزه اوراسیا دانست. به دنبال سقوط رئیس‌جمهور روس- گرای اوکراین در سال ۲۰۱۴ و به قدرت رسیدن دولت موقت ویکتور یانکوویچ (طرفدار غرب و با حمایت‌های دولت‌های غربی) در کی‌یف، روسیه با مداخله نظامی خود، شبه جزیره کریمه را ضمیمه خاک خود نمود. نقض تمامیت ارضی اوکراین با واکنش غرب و تحریم روسیه از سوی دولت‌های غربی همراه بود و به نگرانی امنیتی کشورهای حوزه خارج نزدیک دامن زد (شیخ الاسلامی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۴۲). روسیه بیم آن را داشت که شبه جزیره کریمه، پایگاه ناوگان دریایی ناتو شود تا اینکه اوکراین را وادار کند دست از تلاش‌های خود برای پیوستن به غرب بردارد. خط‌مشی سیاست خارجی آمریکا مهار روسیه از طریق عضویت کشورهای شرق اروپا و جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی در ناتو می‌باشد. جمهوری‌های تازه استقلال یافته نیز به دنبال چتر امنیتی جدیدی هستند که آن‌ها ناتو می‌باشد. در مقابل روس‌ها نمی‌توانند، تحمل کنند که ناتو ماموریت جدیدی در حوزه نفوذ شوروی سابق داشته باشد نگرانی روسیه از گسترش مرزهای ناتو و در نتیجه، مخالفت آن با این امر از آنجا ناشی می‌شود که روسیه در ساختار جدید امنیتی اروپا در حاشیه قرار می‌گیرد و منزوی می‌شود. (دادوند، ۱۳۸: ۱۴۰۲). روسیه کشورهای اروپای شرقی را خارج دور و جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی

¹ abbas

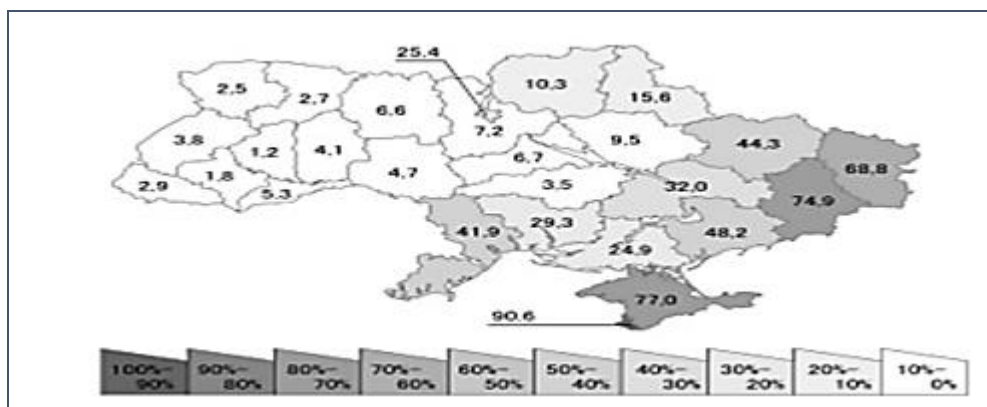
² kendrick



را خارج نزدیک قلمداد می‌کند. در این بین کشورهای خارج نزدیک برای روسیه از اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک برخوردار می‌باشند. علت اصلی نیز آن است که کشورهای به اصطلاح خارج نزدیک در برابر گسترش ناتو به عنوان مناطق حائل روسیه به شمار می‌آیند. تمایل اوکراین برای پیوستن به ناتو که زمانی رقیب ایدئولوژیک و نظامی آن به حساب می‌آمد، زنگ‌های خطر را در روسیه به صدا درآورد. در کرملین حساسیت خاصی نسبت به اوکراین وجود دارد و این حساسیت با تلاش رهبران غرب گرای کی‌یف برای ورود به منظومه نظامی و اقتصادی غرب سیر صعودی به خود گرفته است روابط نهادمند اوکراین با ناتو از سال 1997 شروع گردید و در سال 2002 اوکراین اعلام کرد، درخواست عضویت در ناتو را دارد. در سال 2008 روسیه تهدید کرد در مقابل گسترش ناتو به منطقه دریای سیاه و قفقاز به اقدامات پیشگیرانه اقدام خواهد نمود. روسیه گسترش ناتو به شرق را به عنوان تهدیدی مستقیم بر امنیت و سیاست خارجی خود می‌داند. روسیه به اوکراین هشدار داده بود در صورت پیوستن این کشور به ناتو و استقرار پایگاه‌های نظامی در خاک اوکراین، روسیه به ناچار و برای حفظ امنیت خود این پایگاه‌ها را هدف‌گیری خواهد کرد. از دید¹ میر شایمر²، ریشه بحران اوکراین و مسئله انضمام کریمه در گسترش ناتو است. حرکت اوکراین به سمت ناتو اقدامی جدی برای خروج اوکراین از مدار روسیه و الحاق آن به غرب به شمار می‌رفت و این اقدام اوکراین برای روسیه غیرقابل پذیرش بود (وئوکی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

۳- جدایی طلبی منطقه دنباس

چندگونگی فرهنگی یکی از ویژگی‌های بیشتر جوامع امروزی است به طوری که کشورهای اندکی از تجانس قومی و فرهنگی برخوردارند این تنوع سبب بروز اختلافاتی میان اکثریت و اقلیت می‌شود (کیملیکا، ۱۳۹۸: ۱۳). موضوع جدایی طلبی و تلاش برخی گروه‌های اقلیت برای جدا شدن از دولت مادر، همواره مسئله‌ای حساس برای جامعه بین المللی و به ویژه دولی بوده است که چند ملیتی یا چند قومیتی هستند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۶۶). اوکراین همواره منطقه‌ای استراتژیک و مهم برای روسیه محسوب می‌شده است. این کشور به واسطه اشتراکات تاریخی، نژادی، زبانی و مذهبی با روسیه، بخشی از هویت و فرهنگ روسی بوده است. از نظر تاریخی، اوکراین برای قرون متمادی جزئی از خاک روسیه بوده و تاریخ روسیه با دولت شهری که روسی-کی‌یف نامیده می‌شده شروع شده است. به گونه‌ای که روس‌ها به کی‌یف به مثابه خاستگاه تاریخی خود که از اولین دولت روس در آن شکل گرفته می‌نگرند. بعضی از مهمترین بندرهای روس‌ها نیز بر سر خاک اوکراین بوده است (کیسنگر^۲، ۲۰۱۴: ۱). از نظر نژادی نیز مردم روسیه و اکورانی هردو از نژاد اسلاوه هستند. از لحاظ قومی روسها ۲۲ درصد از جمعیت اوکراین را تشکیل میدهند (موسوی و یزدانی، ۲۰۲۱: ۱۶۳).



شکل ۱ - درصد روس زبان‌ها در شهرهای اوکراین (The Conversation, 2022)

¹ Mearsheimer

² Kissinger



کشور اوکراین مانند بسیاری دیگر از کشورهای استقلال یافته از شوروی، با نگرانی‌های امنیتی مرتبط با یکپارچگی سرزمینی دست به گریبان بوده است. این دغدغه‌ها، در تصمیم‌گیری‌های دولتی در خصوص مسائل اقلیت‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند و بیم از جدای‌یطلبی، انفصال، تجزیه کشور و برداشت و رویکرد حکومت نسبت به مسائل اقلیت‌ها را شکل داده است (پروستیک^۱، ۲۰۰۸: ۲). در این میان، مسئله اقلیت روستبار ساکن در بخش شرقی این کشور، که پس از اوکراینی زبان‌ها، دومین گروه قومی و فرهنگی پرجمعیت هستند، یکی از دغدغه‌های اصلی این کشور از زمان فروپاشی شوروی سابق بوده و به‌ویژه از ۲۰۱۴، آن را با چالش‌های بسیار جدی روبه‌رو کرده است. پس از فرار ویکتور یانوکوویچ، رئیس جمهور اسبق اوکراین از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۴ به روسیه در سال ۲۰۱۴ در پی اعتراضات سراسری دراوکرین، شبه جزیره کریمه با مشارکت حدود ۸۳ درصدی واجدان شرایط در همه پرسی و در پی کسب رای ۹۶.۷۷ درصد از رای دهندگان به عنوان یک منطقه تجزیه طلب به روسیه ملحق شد. در همان زمان دو جمهوری دونتسک و لوهانسک نیز دست به اقدامات جدایی طلبانه زده و اعلام استقلال کردند.

در نتیجه درگیری‌هایی میان دولت مرکزی و تجزیه طلبان روی داد که برخی از منابع این درگیری‌ها را با عنوان خونین-ترین مخاصمه در اروپا از زمان پایان جنگ در یوگوسلاوی سابق یاد کرده‌اند. این درگیری‌ها تا قبل از سال ۲۰۲۲ به کشته شدن بیش از ۱۴ هزار نفر و زخمی شدن ۳۰ هزار نفر منجر شد. هم چنین بیشتر از یک و نیم میلیون نفر از منطقه دونباس به سایر مناطق اوکراین آواره شدند. اکثریت ساکنان منطقه موسوم به دونباس در شرق اوکراین، روس‌زبان هستند و اوکراینی زبان‌ها اقلیت این منطقه را تشکیل می‌دهند و مناطق دونتسک و لوهانسک، عملاً کمتر از یک سوم سرزمین دونباس را به خود اختصاص داده‌اند. روس‌زبان‌ها خواهان اختصاص مناطق بیشتری به جمهوری‌های استقلال طلب شده‌اند. گفتنی است پوتین بر این باور است که افزون بر منطقه دونباس، همه مناطق شرق اوکراین به نام نئوروسیا، متعلق به اوکراین نیستند. وی مدعی است که افزون بر دونتسک و لوهانسک، شهرها و نواحی گوناگون همچون خارکف، خرسون، میکولایف و اودسا و در کل، مناطق روس‌زبان، در حقیقت به روسیه تعلق دارند. در نتیجه روسیه آنچه را بازیافت و احیاء قلمرو جغرافیایی و ژئوپلیتیکی شوروی سابق، و الحاق مجدد آنها به روسیه می‌داند در فوریه ۲۰۲۲ عملیات گسترده نظامی را علیه اوکراین آغاز کرد (عزیزی و کرمی، ۱۴۰۱: ۱۴۲). اکنون روسیه توانسته در این جنگ، ۴ منطقه شرق اوکراین یعنی دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا را تصرف و رسماً به خاک خود اضافه کند. اوکراین با وجود همه تلاش‌ها اما در بازپس گیری این ۴ منطقه ناکام مانده است. (شکل ۲).



¹ Protsyk



شکل ۲- مناطق تجزیه طلب اوکراین که توسط روسیه اشغال شده‌اند (یورونیوز، ۲۰۲۳)

۴- ژئواکونومی انرژی

دریای مدیترانه موقعیتی حساس و بااهمیت برای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا دارد که با توجه به اکتشافات سال‌های اخیر میدان‌های گازی در منطقه، اهمیت آن دوچندان شده است. بخش قابل توجهی از کل پالایش نفت جهان در منطقه مدیترانه انجام می‌شود. یکی از مهمترین اهمیت منابع انرژی این منطقه را باید در همین نکته پیدا کرد (فهندژ سعدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۵).

صنعت گاز شوروی تا دهه ۱۹۷۰ به‌طور کلی وابستگی شدیدی به میدان‌های گازی اوکراین داشت. در دهه ۱۹۴۰ بخش عمده‌ای از گاز غیرمشترک شوروی از حوزه داشاوا از غرب اوکراین تامین می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، حوزه‌های محلی متعدد دیگری راه‌اندازی شدند و منتج به ساخت یکی از نخستین لوله‌های طولانی گاز در سال ۱۹۴۹ شدند که گاز اوکراین را به مسکو و پس از آن نیز (۶۲-۱۹۶۰) به مینسک و کشورهای بالتیک انتقال می‌داد. سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سال‌های طلایی صنعت گاز اوکراین بود. اکتشاف و توسعه یک میدان گازی (shobe linkskoye) در حوزه دنیپر- دونتز، اوکراین را به منطقه‌ای با تمرکز کلیدی جهت توسعه صنعتی شوروی با تولیدات بیشتر و بیشتر صنعتی وابسته به گاز طبیعی تبدیل کرد. نخستین صادرات گاز شوروی به اروپا در سال ۱۹۶۷ و با ساخت سیستم انتقال باظرفیت بالا به نام خط لوله براتسو (Bratsvo) صورت گرفت. یکی از نکات ضعیف توسعه سریع گاز اوکراین، وابستگی شدید آن بر چند میدان گازی بزرگ بود. به محض اینکه این میدان‌های گازی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رو به کاهش گذاشت، صنعت گاز شوروی شروع به تغییر مکان از این منطقه به سیبری غربی و آسیای مرکزی کرد و سرمایه‌گذاری، توسعه تکنولوژی و منابع انسانی در صنعت گاز اوکراین را کد شده. اوکراین با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مرحله با ثبات شد. این کشور قادر بوده است که با وجود سطح نسبتاً پایین سرمایه‌گذاری- حدود یک میلیارد دلار در هر سال- پایداری نسبی را در سطح تولیدات گازی خود طی دو دهه گذشته ایجاد کند. اوکراین دارای منابع گسترده‌ای از گاز است: منطقه تولیدکننده موجود در شرق و غرب کشور، مناطق جدید شامل منطقه جنوب مانند بخش اوکراینی دریای سیاه و نهایتاً منابع غیررسمی اکتشاف نشده بزرگ کشور. دولت اوکراین پیش‌بینی کرده است منابع گاز غیررسمی باقی مانده ۵/۳۷ تریلیون متر مکعب است که بخش عمده آن به عنوان منابع آینده شناخته شده است. براساس اکتشافات موجود دریای سیاه در حال حاضر محل ذخایر گازی به میزان حاوی ۷۱۰ میلیارد متر مکعب گاز است. کشف میدان‌های بزرگ گازی در دریای سیاه و هم چنین گمانه‌هایی در مورد ذخایر و میدان‌های گازی زیاد در این منطقه و به ویژه در قلمرو آبی اوکراین (بعد از ترکیه) یکی دیگر از عوامل مهم در انگیزه‌های مسکو برای حمله به اوکراین می‌باشد زیرا از یک سو سبب می‌شود سلاح انرژی مسکو در برابر اروپا تضعیف شود و از سوی دیگر سبب افزایش قدرت کشورهای ساحلی دریای سیاه و شتاب در توسعه این کشورها که به انرژی گران و وارداتی عادت دارند می‌شود. ازاین رو مسکو برای پیشگیری از دست‌یابی اوکراین به این منابع که به عنوان شتاب دهنده قدرت اوکراین عمل می‌کنند، به این کشور حمله کرد. زیرا کشور اوکراین که زمانی صادرکننده بزرگ گاز بود در حال حاضر بخشی از گاز خود را از روسیه دریافت می‌کند که در صورت وجود ذخایر گازی، قدرت ژئواکونومی انرژی روسیه از میان‌رفته و صادرات گاز روسیه به اوکراین و از آنجا به مقصد اروپا نیز با بالادستی اوکراین انجام می‌گرفت. درنتیجه روسیه در دوره‌های مختلف از ابزار انرژی در جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کرد. روسیه و اوکراین در سالهای گذشته (از ۲۰۰۵) تا کنون دچار مشکلات و اختلافات زیادی با هم در زمینه گاز هستند (شیخ الاسلامی، شیراوند، ۱۳۹۶: ۹۲).

۵- کریدورهای ارتباطی

اوکراین به دلایلی چون موقعیت ویژه خود در مسیر اتصال روسیه به اروپای غربی، قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا، موقعیت سوق الجیشی این کشور در مشرف بودن به دریای سیاه و نیز در اختیار داشتن سواحل با ارزش (مانند شه جزیره راهبردی کریم) از اهمیت زیادی رای روسیه برخوردار است (اعتصامی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۷). در حقیقت اوکراین به عنوان سنگر گاه روسیه در برابر غرب و هم چنین دیوار دفاعی غربی روسیه در برابر اروپا عمل کرده و بر لبه رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب و روسیه قرار گرفته و مرز اتحاد اروپا و روسیه محسوب می‌شود. اهمیت راهبردی دیگر اوکراین برای روسیه به اهمیت شبه جزیره کریمه بر می‌گردد. علت این اهمیت به محدودیت‌های ژئوپلیتیک روسیه باز می‌گردد. این کشور براساس موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی دچار جبر جغرافیایی و ژئوپلیتیک برای پیگیری اهداف منطقه‌ای خود می‌باشد. بنابراین برای دسترسی تضمین شده به آب‌های دریای سیاه به عنوان دروازه ورود به دریای مدیترانه نیاز به یک کریدور ارتباطی دارد. روسیه از طریق کریمه می‌تواند با دسترسی مستقیم به دریای سیاه و دریای مدیترانه از طریق تنگه های کرج، بسفر و داردانل بر تبری دریایی و هوایی خودش را در اروپا و دریای سیاه تثبیت کند و از این طریق به یک قدرت دریایی مهم تبدیل شده و به مقابله موثر با اقدامات ناتو در منطقه اروپای شرقی بپردازد و حتی بر مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه مانند بالکان، شمال آفریقا و خاورمیانه اثر گذرا باشد روسیه حدود ۷۰ درصد از ناوگان دریایی خود را در کریمه قرار داده است (ریچتر^۲، ۲۰۱۴: ۴). کریدور کریمه در واقع دسترسی سریع روسیه را به مناطق همجوار دریای سیاه و مدیترانه فراهم کرده و از مهمترین ابزارهای توازن ساز روسیه در برابر ناتو در حوزه دریای سیاه است (ترابی و کیانی^۳، ۲۰۱۴: ۱۳).



شکل ۳- موقعیت راهبردی کریمه، دریای سیاه، دریای آزوف و تنگه های کرج، بسفر و داردانل (منبع: استمیت^۴، ۲۰۱۷)

برخورداری از ۲۷۸۲ کیلومتر مربع مرز آبی در کنار دریای سیاه به اوکراین مزیت مرکز حمل و نقل خطوط انتقال انرژی از جنوب به شمال و از شرق به غرب را داده است. در واقع یان شکور شاهراه انتقال انرژی از روسیه به اروپا محسوب می‌شود. زیرا از طریق خطوط لوله حدود هشتاد درصد گاز و هفتاد و پنج درصد نفت وارداتی کشورهای اروپایی از روسیه به بازارهای

¹ Etesami

² Richter

³ Torabi, Kiani

⁴ Steemit



اروپا انتقال می یابد (گراف و کلگان^۱، ۲۰۱۷: ۶۱). هم چنین سی و پنج درصد از کالا و مصنوعات ساخته شده روسیه نیز از طریق اوکراین ترانزیت می شود (وزارت زیرساخت^۲ اوکراین، ۲۰۱۹: ۳). از دست رفتن کریدور اوکراین برای روسیه به معنی قطع دسترسی به آب های آزاد و ضربه به توان نظامی و هویت ملی روسیه و ضربه خوردن اهرم انرژی روسیه در برابر غرب با توجه به ذخایر نفت و گاز موجود در این کشور و کریدور ارتباطی اوکراین برای انتقال انرژی روسیه است. به همین دلیل روسیه تلاش نمود تا شبه جزیره کریمی را به روسیه ادغام کند، دو جمهوری دونتسک و لوهانسک را به رسمیت بشناسد و با حمله نظامی به چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا آنها را به خاک خود ضمیمه کند. (موسانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۵).

۶- ترس از نفوذ شرایط اوکراین و تحولات آن در خاک روسیه بر اساس دیدگاه لیدا آکوس هویت مشترک و مشابهت های فرهنگی زمانی که تفاوت در نهادی سیاسی داخلی وجود داشته باشد می تواند موجب جنگ گردد کشوری که نهادهای سیاسی و دموکراتیک را توسعه می دهد می تواند مورد تجاوز قرار گیرد (لادا^۳، ۲۰۱۵: ۵۱). کشور برادری که نهادهای دموکراتیک را توسعه داده است می تواند منبع تهدید باشد. کشور دیگر از طریق تبلیغات منفی و یا حمله نظامی درصدد رفع تهدید برمی آید. در واقع، روسیه نمی تواند اوکراین را با حاکمیتی مستقل و با فرهنگ سیاسی دموکراتیک و پیشرفته در امتداد مرزهای غربی خود قبول کند (شلست، ۲۰۱۵: ۱۹۹). رویکرد سیاست خارجی روسیه در رابطه با همسایگان، آن ایجاد و حمایت از رژیم هایی است که مشابه رژیم کرملین باشند. حاکمان کرملین شکل گیری نظام های سیاسی دموکراتیک و حتی مرفه تر از روسیه در مجاورت مرزهای خود را نمی توانند تحمل نمایند (سولینتر^۴، ۲۰۱۶: ۸۲). بحران اخیر در روابط کی یف-مسکو در این چارچوب قابل تحلیل است یکی از نگرانی های اصلی کرملین ناشی از این است که تحولات اوکراین بتواند نه تنها به دیگر جمهوری های خارج نزدیک بلکه حتی به داخل خود فدراسیون روسیه نیز سرایت نماید گسترش الگوی دموکراتیک کشورداری در امتداد مرزهای روسیه می تواند تهدید کننده ثبات و امنیت رژیم مسکو تلقی شود (دی مایو^۵، ۲۰۱۶: ۸)، مسئله مهم برای روسها ظرفیت شکل گیری جوامع دموکراتیک و تکثرگرا در امتداد مرزهای آن و عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا می باشد. چنین جوامعی علاوه بر تهدید دامنه نفوذ روسیه در خارج از مرزهای خود می تواند جرقه مخالفت افشار متوسط را در درون مرزهای خود موجب شود. در صورت وجود اوکراین مرفه و دموکراتیک در مجاورت، روسیه، مردم در پی پاسخ به این سوال خواهند بود که چرا روسیه آزاد و مرفه نیست. همچنین عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا می تواند، باعث تشویق دیگر کشورهای حوزه خارج نزدیک به عضویت در این نهاد غربی شود. "عضویت اوکراین در اتحادیه اورپا نه تنها تلاش های روسیه برای به کنترل درآوردن اوکراین را ناکام خواهد گذاشت بلکه این خطر وجود خواهد داشت که با انجام رفرم های مورد نظر اتحادیه اروپا کی یف نقش الگو را برای دیگر کشورهای بخش اروپایی روسیه بازی خواهد کرد و مشروعیت حکومت پوتین را به خطر خواهد انداخت کرملین اتحادیه اروپا و ناتو را نهادی می بیند که نه تنها منافع بلکه حیات این رژیم را نیز تهدید می نماید. پوتین معتقد است، آمریکا به دنبال تغییر سیستم سیاسی روسیه می باشد (وثوقی و خیر، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

¹ Colgan and Graaf

² ministry of infrastructure

³ Lada

⁴ Sonnleitner

⁵ De Maio

بحران اوکراین انعکاس رقابت های ژئوپلیتیک قدرتهای بزرگ برای دست یابی به هژمونی جهانی و منطقه ای است. جمهوری اسلامی ایران صراحتاً حمله نظامی روسیه به اوکراین را محکوم نکرده و جهان غرب به ویژه امریکا را عامل اصلی بحران اعلام کرده است (رومی و آل سید غفور، ۱۴۰۲: ۳۵). ضرورت دست یابی به فناوری اتمی، نیاز به جنگ افزارهای پیشرفته برای ترمیم قدرت نظامی ایران پس از هشت سال جنگ با صدام و کاهش فشارهای ناشی از تحریم ها و محدودیت های امریکا در محیط پیرامونی موجب شد ایران برای بقا و امنیت خود در نظام بین الملل تک قطبی به روسیه نزدیک شود (فخاری، ۱۴۰۱). اینکه متحد کلیدی جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ با اوکراین است. تهاجم ارتش روسیه به اوکراین که در ابتدا پیش بینی می شد حمله ای برق آسا و دارای دستاوردهای سریع و ملموس برای مسکو باشد، مدت هاست که به درازا کشیده شده و مواضع ایران در همراهی با روسیه فراتر از رویکرد نگاه شرق بروز و ظهور یافته است (مظاهری، ۱۴۰۱: ۹).

جمهوری اسلامی ایران به رغم اعلام بی طرفی در جنگ، اوکراین به دلیل تسلط راهبرد «شرق گرایی بر سیاست خارجی آن و با هدف تضعیف موقعیت جهانی غرب رویکردی متعادل در قبال تنش میان روسیه و اوکراین نداشته و عملاً از تهاجم روسیه به اوکراین حمایت کرده است. در واقع جمهوری اسلامی تهاجم روسیه را آغاز دگرگونی در نظام بین الملل با ظهور بلوکها و ائتلاف های جدید تعبیر می کند که به تهران امکان خروج از انزوا و بازیگری در عرصه جهانی را میدهد. سیر منحنی مناسبات ایران و روسیه به رغم آنکه پاره ای منافع و مقاصد سیاست خارجی ایران را برآورده ساخته اما در کل در مسیر اولویتها و الزامات روسیه حرکت کرده است. در سالهای اخیر تهران در مواجهه با الزامات نظام بین الملل و فشارهای آمریکا چاره ای جز روی آوردن به روسیه برای همکاری نزدیکتر نداشته و این موجب نگرانی ایرانیها از وابستگی فزاینده کشورشان به مسکو شده بود. اما وقوع جنگ اوکراین به کاهش این نگرانیها در تهران کمک کرد در واقع عدم موفقیت روسیه در اوکراین کرملین را محتاج به مساعدت ایران در زمینه های گوناگون نمود. از این رو، برخی معتقدند در درگیری بین روسیه و ناتو در اوکراین یک منفعت استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران متصور است که برآیند آن متعادل کردن روابط یک سوپه دو کشور بوده است (گالاگر^۱، ۲۰۲۲: ۱۳).

بنابراین جنگ اوکراین برای جمهوری اسلامی بعنوان فرصتی برای تعمیق روابط با مسکو تلقی شده است. این بحران به تهران تضمین بلندمدتی میدهد که روسیه با غرب متحد نخواهد شد و استفاده مسکو از ایران به عنوان ابزار چانه زنی با آمریکا و اروپا لااقل در کوتاه مدت میسر نیست، همچنین جنگ در اوکراین روند تغییر جهت گیری اقتصادی روسیه به سمت آسیا را سرعت بخشید و به ناچار به تقویت روابط اقتصادی با ایران انجامید که یک نقطه ضعف سنتی در روابط دو جانبه بوده است. از ایجاد کریدور حمل و نقل شمال - جنوب که روسیه را از طریق ایران به شبه قاره هند متصل می کند، بعنوان نماد مهم چرخش اقتصادی روسیه به طرف آسیا یاد می شود. ایران و روسیه که هیچگاه شریک تجاری عمده ای برای یکدیگر نبوده اند؛ از سال ۲۰۱۹ تجارت دو کشور شاهد رشد مثبتی بوده است در حالیکه صادرات ایران به روسیه پس از شروع جنگ اوکراین ۱۲ درصد رشد داشته واردات ایران از روسیه نسبت به قبل از جنگ دو برابر شده است (تیرون^۲، ۲۰۲۲: ۹۸).

در ضمن، تحریم های سخت گیرانه غرب علیه روسیه نیز بر روابط دو جانبه اثر مثبت داشته است. با توجه به تجارب جمهوری اسلامی در دور زدن تحریمها، تهران می تواند در کاهش تأثیر تحریم ها بر اقتصاد روسیه مؤثر باشد. در بخش هوانوردی و تعمیر

¹ Gallagher

² Tirone

و تأمین قطعات هواپیما قرارداد همکاری میان دو کشور منعقد گردیده است. جمهوری اسلامی ایران از موشک سایوز روسی برای پرتاب ماهواره خیام استفاده کرد که توانایی های ایران در زمینه نظارت های مرزی، کشاورزی نظارت بر تغییرات کاربری اراضی را افزایش میدهد. فراتر از انتفاع اقتصادی دو جانبه، جنگ اوکراین موجب شد تا روسیه به طور فزاینده ای به پهپادهای ساخته شده توسط ایران وابسته شده و این به جمهوری اسلامی کمک میکند تا خود را به عنوان یک قدرت پهپادی در جهان معرفی و مشتریان فراوانی را که بعضاً توسط دولت های غربی تحریم شده اند برای فروش فناوری و هواپیماهای بدون سرنشین خود جذب کند (خسروانی، ۱۴۰۰: ۹).

به رغم دستاوردهای مثبت در روابط دو جانبه جمهوری اسلامی ایران به سبب حمایت از روسیه در جنگ اوکراین هزینه هایی نیز متقبل شده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد قطعنامه ای رأی گیری کرد که روسیه را به دلیل حمله به اوکراین محکوم می - کند این قطعنامه با ۱۴۱ رأی موافق ۵ رأی مخالف و ۳۵ رأی ممتنع تصویب شد. با وجود تصویب قطعنامه با اکثریت چشمگیر تعدادی از کشورهای جهان مانند ایران ترجیح دادند با رأی ممتنع یا غیبت در رأی گیری بی طرفی خود را در جنگ اعلام کنند، ایران به همراه ۳۴ کشور دیگر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به قطعنامه علیه روسیه رأی ممتنع داد؛ اگرچه قطعنامه از نظر قانونی الزام آور نیست اما ۱۹۳ کشور عضو در این رأی گیری شرکت کردند که می تواند به عنوان معیاری برای انزوای روسیه باشد. واکنش آرام ایران در حمله به اوکراین نشان دهنده همسویی با روسیه در دو دهه گذشته و تیرگی روابط فزاینده با غرب بوده و این موضع گیری ایران را از بی طرفی دور و اندکی به سمت مسکو متمایل کرده است (صالحی و ساجدی، ۱۴۰۱: ۵).

به رسمیت شناختن استقلال دو استان جدایی طلب شرق اوکراین لوهانسک و «دونتسک» توسط روسیه در صورتی که به یک رویه یا : الگو تبدیل شود برای کشورهایی که دارای تنوع قومی و زبانی هستند به ویژه در مواردی که این تنوع در نقاط مرزی باشد و ادعاهای استقلال طلبی و رفتارهای گریز از مرکز نیز وجود داشته باشد یک تهدید محسوب می شود. ایران کشوری با تنوع قومیتی بالاست و حداقل در چهار منطقه مرزی این کشور مناطق ترک نشین، کردنشین، عرب نشین و بلوچ نشین برخی گرایشهای تجزیه طلبانه و گریز از مرکز وجود دارد. و این می تواند در آینده باعث درگیری میان کشورهایی شود که ادعای حاکمیت بر مناطق هم زبان یا هم تبار خود در مرزهای کشورهای دیگر را دارند این موضوع میتواند برای ایران نیز مسئله ساز باشد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).

همچنین حمله روسیه به اوکراین این خطر را به همراه دارد که قواعد و حقوق بین الملل زین پس اختیاری در نظر گرفته شود (مانند اقدام ترکیه علیه سوریه) در واقع از دیدگاه روسیه آمریکا همواره به دنبال این است که کشورهای اطراف روسیه را ترغیب نموده تا به ناتو ملحق شوند، در حالی که این موضوع زنگ خطری برای روسیه بوده که بر این اساس و با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد به اوکراین حمله کرد و با تفسیر موسع از حق دفاع از خود، اصل فوق را اینگونه تفسیر کرد که حتی اگر تهدید نمود عینی هم نیافته باشد و فقط به شکل ذهنی درک شده باشد، باید با عملیتهای پیش دستانه و پیشگیرانه جلوی عینیت یافتن آن را گرفت. چنین اختلافاتی در تفسیر قواعد حقوق بین الملل میتواند در آینده توسط دیگران مورد بهره برداری قرار گیرد و باعث میگردد دولت آمریکا نیز خود را محق بداند به هر کشوری که شک دارد حمله نماید این موضوع میتواند ثبات منطقه ای ایران و سایر همسایگان را به خطر بیندازد (شاپوری، ۱۳۹۳: ۶۹).

با جنگ اوکراین دیپلماسی پنهان اسرائیل وسیعاً فعال شده تا ۶۰۰ هزار یهودی روسی و ۱۲۰ هزار یهودی اوکراینی را به سرزمینهای اشغالی منتقل کند و با آسودگی خاطر به اشغالگری و شهرک سازی ادامه دهد و بهانه شهرک سازی جدید نیز اسکان بخشی از «آوارگان جنگی اوکراین» خواهد بود. چنین افزایش جمعیتی آن هم از جمعیتی که عمدتاً تحصیل کرده و با



فرهنگ اروپایی هستند توان اقتصادی و انسانی قابل توجهی به اسرائیل اعطا می کند و به زبان فلسطینیان خواهد بود (رومی، سید غفور، ۱۴۰۲: ۴۰). در ارتباط با استراتژی اسرائیل در بحران اوکراین میتوان به مواردی اشاره کرد؛ فروش بیشتر سلاح به اروپا و بقیه خریداران، توجه دوباره آمریکا و اروپا به برنامه بلند پروازانه صادرات گاز اسرائیل، با تعطیلی طرح نورد استریم و افق بلندمدت کاهش اتکای اروپا به گاز، روسیه امید اسرائیل در این زمینه دوباره احیا شده و از بابت دیگری هم امیدوار است که با افزایش فشار بر مسکو، روسیه نیروهایش را از سوریه خارج کند و در نتیجه اسرائیل آزادانه تر بتواند در سوریه عملیات کند و یا حتی دور جدیدی از جنگ داخلی در سوریه در بگیرد (آزادی، ۲۰۲۳: ۲۶). از سوی دیگر، وقوع بحران در اوکراین انگیزه های جدیدی به ناتو برای تقویت شدن داده و با تبلیغات غرب در جریان این بحران، تحرکات ناتو در شرق اروپا تشدید و این سازمان به تقویت حضور نیروهای خود در این منطقه پرداخته است. بنابراین با اختلافات بنیادی که جمهوری اسلامی با غرب مخصوصاً آمریکا دارد تقویت هر چه بیشتر فلسفه و توان ناتو به رهبری آمریکا به ضرر کشور خواهد بود. اگر اوکراین به سمت ناتو حرکت کند، امکان اتخاذ سیاست های غرب گرایانه توسط بعضی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز محتمل تر خواهد شد. این مسئله با توجه به مجاورت مرزی ایران با این مناطق میتواند تهدیداتی را متوجه ایران کند. از دیگر پیامدهای نزدیکی اوکراین به ناتو افزایش قدرت مانور ترکیه به عنوان رقیب سنتی ایران در منطقه است؛ زیرا در چنین شرایطی ترکیه فرصتهای بیشتری جهت برآوردن اهدافش در مناطق پیرامونی کسب خواهد کرد (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۲).

همچنین امکان تنش در سوریه در سایه بحران اوکراین وجود دارد. سوریه پذیرای تعداد زیادی از نظامیان روسیه است و بدون یاری مسکو ممکن نبود که دولت بشار اسد بر سر کار باقی بماند فشارهای اقتصادی و سیاسی بر روسیه در کنار وضعیت مبهم درگیری در اوکراین، سبب شده تا اپوزسیون اسد خود را برای شروع مجدد درگیری آماده کنند. آنها امیدوارند طولانی شدن جنگ اوکراین و استهلاک نظامی و اقتصادی روسیه، سبب شود تا نیروهای مسکو خاک سوریه را ترک کنند. در این صورت ارتش سوریه در برابر خطر یک درگیری جدید بسیار آسیب پذیر خواهد بود. هر چند اپوزسیون دیگر آن قدرت گذشته را ندارند و قلمرو در کنترل شان تنها محدود به باریکه ای پیرامون ادلب است اما هنوز زمینه درگیری و تنش در سوریه فراهم است و فقر و گرسنگی، محیط مستعدی برای پرورش ناراضیاتی و درگیری ایجاد کرده است. از آنجا که حکومت سوریه متحد استراتژیک تهران است هر گونه هرج و مرج و قدرت گرفتن اپوزسیون به امنیت ملی ایران و محور مقاومت میزند. با شروع و ادامه جنگ اوکراین، روسیه به مخالفت با برجام و ساماندهی مجدد آن پرداخت و در راه مذاکرات ایران و ۵+۱ موانعی را ایجاد کرد. روسیه تا کنون از ایران به عنوان کارت بازی در مذاکرات برجام استفاده نموده تا بتواند امتیازهای لازم از غرب را دریافت نماید، بنا براین به نتیجه رسیدن برجام و احتمالاً روابط بهتر ایران با آمریکا و غرب جزء اولویت ها و اهداف سیاست خارجی روسیه نیست. عدم محکوم کردن تهاجم روسیه به اوکراین در ابتدای جنگ از طرف ایران و در ادامه حمایت ضمنی از روسیه در جنگ و بنا بر نظر منابع نظامی و سیاسی غربی حضور پهلپاد های ایرانی در جنگ اوکراین می تواند تهدیدی برای امنیت ملی ایران باشد. تشدید جنگ اوکراین و تحریم های بی سابقه روسیه از طرف آمریکا و متحدان آن به تحریم ایران مرتبط با بحران اوکراین نیز تسری پیدا کرد. نزدیکی روسیه به اسرائیل و کشورهای عربی و دادن امتیازهایی به این کشورها تأثیری منفی بر موقعیت ایران در منطقه داشته است که حمایت اخیر روسیه از امارات در مناقشه جزایر ایرانی از تبعات این نزدیکی است. در واقع، جمهوری اسلامی به رغم ادعا و اعلام بی طرفی در جنگ اوکراین، با اظهارات و رفتارهای متناقض و با فروش پهلپاد عملاً در کنار روسیه قرار گرفته و به یک طرف منازعه تبدیل شده است. در این شرایط، ایران در مظان اتهام از سوی غرب و جامعه بین المللی قرار گرفته است و بیم آن می رود که تبعات حقوقی و بین المللی آن، کشور را درگیر پرونده ای کند که خلاصی از آن اگر غیرممکن نباشد، بسیار طولانی و پرهزینه خواهد بود و مشکلات عدیده ای را برای جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت؛ باز کردن پرونده ای برای کشور با اتهام مشارکت در انهدام زیرساخت ها، جنایت جنگی و بازپرداخت غرامات از آن جمله است. اتهام



همکاری جمهوری اسلامی ایران با روسیه در جنگ اوکراین نه تنها خود به تنهایی یک مقدمه لازم اجرایی برای تمهید اقدام لازم حقوقی است بلکه به نظر می‌رسد پتانسیل حقوقی کافی برای شروع دعوی حقوقی بین‌المللی را هم دارد. اقدام حقوقی علیه ایران چنان‌که گفته شد با وضعیت روسیه متفاوت است. دولت روسیه تلاش دارد در اقدام خود، دولت جمهوری اسلامی ایران را همراه خود معرفی کند باعث می‌شود تا این کشور در عمل خلاف قواعد حقوق بین‌المللش حداقل یک عضو دیگر سازمان ملل را شریک داشته باشد و از این رهگذر، هم از حیث شکلی و هم ماهوی نابهنجاری عمل خود را با یک عضو دیگر ملل متحد تقسیم و این‌گونه در صورت و متن و محتوا، از مسوولیت و فشار افکار عمومی جامعه جهانی نسبت به خود تا حدی بکاهد و نتیجه قهری این عملکرد قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در معرض مسوولیت بین‌الملل (اشتقاقی) است (بوکین^۱: ۲۰۲۲: ۱۳۹۸).

جنگ اوکراین ضربه سنگینی بر روند مذاکرات توافق هسته‌ای وارد و روابط ایران و اروپا را با بحرانی عمیق روبه‌رو کرد. جنگ، اختلاف اروپا با ایالات متحده آمریکا درباره ایران را که فاصله معناداری در موارد مختلف و از جمله توافق هسته‌ای (برجام) داشتند، از بین برد و امروز شاهد موضعی خصمانه از سوی اتحادیه اروپا به دلیل حمایت ایران از روسیه در تهاجم به اوکراین هستیم. اروپا ورود ایران به جنگ اوکراین را اقدامی علیه امنیت خود تلقی می‌کند. این امر در کنار ناآرامی‌های داخلی اخیر، باعث شده اتحادیه در اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه ایران در همه زمینه‌ها از هم‌پیمان خود، آمریکا، پیشی بگیرد. امری که طی چهار دهه گذشته و حتی در بدترین شرایط مانند جنگ تحمیلی، گروگان‌گیری، ماجرای میکونوس و... به این شدت وحدت نبوده است. با توجه به محکومیت روسیه از سوی سازمان ملل متحد با رأی اکثریت قابل توجه و اعلام روسیه به عنوان متجاوز، اقدام ایران در واقع رویارویی با سازمان ملل و تصمیمات آن است. جمهوری اسلامی ایران، اما در این منازعه وضعیت حقوقی ویژه‌ای دارد که آثار آن می‌تواند گریبانگیر افراد احتمالی مرتبط با نهادها و سازمان‌های نظامی و مرتبط با این سازمان‌ها و دولت شود. جنگ غیرقانونی علیه اوکراین در عمل مواجهه با غرب و به ویژه اروپا و اتحادیه اروپاست و ایستادن کنار روسیه یعنی ایستادن در موقعیتی که این کشور علیه جامعه اروپایی دارد در حالی که جمهوری اسلامی با دفع الوقت و بدون ملاحظه عنصر اساسی «زمان» در دیپلماسی هنوز پرونده مفتوحی دارد که نه تنها مساله جهانی است بلکه مشخصاً از دغدغه‌های مهم اروپا و اتحادیه اروپاست. پرونده به سرانجام نرسیده برجام تاکنون هزینه‌های داخلی و خارجی بسیاری برای ایران فراهم آورده و در آخرین نتیجه احتمالی خود می‌تواند مسوولیت بین‌المللی ایران را در فرآیند توسل به مکانیسم ماشه از سوی اعضای اروپایی عملی و محقق کند یعنی در صورت تحقق این امکان جمهوری اسلامی عملاً در محکمه بین‌المللی محاکمه می‌شود که همراهی با روسیه مهم‌ترین کاتالیزور آن است (نیاکویی و راهدا^۲: ۲۰۲۱: ۵۱۲).

علاوه بر موارد فوق در سایه جنگ روسیه علیه اوکراین، خطر تهدید امنیت غذایی ایران وجود دارد. از آنجا که روسیه و اوکراین تقریباً یک سوم صادرات گندم جهان را در اختیار دارند، محصولی که در تهیه بسیاری از محصولات غذایی دیگر در کل جهان نقش اساسی دارد، کاهش صادرات آن و کمبود مواد غذایی در جهان دولت‌ها را با چالش جدی مواجه می‌کند. اوکراین همچنین چهارمین صادر کننده ذرت دنیا به شمار می‌رود که سهمی ۱۵ درصدی از بازار جهانی را در اختیار دارد و روسیه ۳/۲ درصد صادرات ذرت جهان را به خود اختصاص داده است. ذرت مورد نیاز ایران نیز از کشورهای برزیل روسیه، اوکراین و رومانی تأمین می‌شود، اما با توجه به جنگ میان دو کشور، ایران با چالش و کمبود نهاده گندم و ذرت مواجه خواهد شد.

نتیجه گیری

¹ Bobkin

² derive responsibility



اوکراین از قرن ها پیش تحت تاثیر رقابت شوروی و اروپای غربی قرار داشته است اما این رقابت بعد از تجزیه شوروی بیشتر شد و سبب شد اوکراین طی دو دهه اخیر به استقلال برسد این پدیده منجر به شکل گیری منازعاتی میان اوکراین و روسیه شد که مهمترین آن بروز درگیری در ۲۰۲۲ می باشد نتایج پژوهش نشان داد انگیزه های کرملمین برای حمله به اوکراین ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومی، ژئوکالچر و دارد. به طوری که کرملمین پس از تجزیه شوروی به دنبال دستیابی به جایگاه خود در نظم جهانی از دیپلماسی رریوانشیست استفاده نمود تا به تحقیر خود پایان دهد از سوی دیگر به دلیل گسترش ناتو به سوی شرق، کرملمین احساس خطر کرده و با حمله به اوکراین سعی کرده مانع از الحاق کی یف به ناتو شود. هم چنین اوکراین دارای موقعیت گذرگاهی بسیار مهمی است به طوری که شبه جزیره کریمه از اهمیت زیادی برای روسیه برخوردار است و دست به اشغال آن زد. از دیگر انگیزه های کرملمین برای حمله به اوکراین جدایی طلبی منطقه دنباس و اقلیت های روس در اوکراین می باشد. ژئواکونومی انرژی و مسیر ترانزیت روسیه- اوکراین از مهمترین انگیزه های روسیه برای حمله به اوکراین است. نتایج پژوهش با ماحصل کار رومی و سید غفور (۱۴۰۲) مطابق است. هم چنین در بعد دوم پژوهش مشخص گردید، جنگ روسیه علیه اوکراین، دارای فرصت هایی برای ایران است، اگرچه فروش چنگ افزار نظامی به روسیه یک اشتباه استراتژیک برای ایران محسوب می شود اما این مسئله شیی ده تا روابط دو جانبه روسیه و ایران بهبود یابد. فرصت های فراوانی برای ایران در خلال این جنگ وجود داشت، به طوری که فرصت صدور گاز به اروپا برای ایران وجود داشت اما ایران نتوانست از این فرصت استفاده کند و کشورهای حاشیه دریای مازندران از این فرصت استفاده کردند. هم چنین به دلیل محدودیت صادرات گاز روسیه به اروپا و جایگزینی هند و چین به عنوان مشتری برای روسیه و تخفیف قابل توجه به این دو کشور عملا بازار صادراتی ایران را از رونق انداخت. هم چنین ایران تا سالها از غلات اوکراین استفاده کرده که این مسئله به دلیل جنگ سبب شده عملا دسترسی به بازار گندم و غلات اوکراین میسر نباشد. هم چنین تشدید تحریم ها، مسئله جزایر ایرانی، تاثیرات منفی بر روند مذاکرات توافق هسته ای، وسیع شدن حوضه فعالیت اسرائیل به دلیل وجود پناهنده شدن یهودیان روسی- اوکراینی و تقویت فرایند شهرک سازی، تقویت جدایی طلبی در کشور و ... از مشکلاتی است که جنگ روسیه با اوکراین بر ایران گذاشت. نتایج به دست آمده از تحقیق در این بخش با ماحصل کار صالحی و سجادی، (۱۴۰۱)، حلالخور و سعیدی راد (۱۴۰۱) مطابقت دارد.

منابع

- حاجی مینه، رحمت ، سیاست خارجی ترکیه در قبال جنگ اوکراین، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۳(۱)، ۱۴۰۱.
- حلالخور، مهرداد و سعیدی راد، آرش ، روندهای کلان جهانی؛ تحول و گسترش ژئواکونومیک دریای خزر، فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۵۳)، ۱۴۰۱.
- خسروانی، فرشید، نگرانیهای روسیه او اوکراین ، دیپلماسی ایران، ۱۴۰۰.
- دادوند، حسین، بحران اوکراین و تاثیر آن بر هندسه نظم جدید جهانی، مطالعات جنگ، سال ۵، شماره ۱۶، ۱۴۰۲.
- رضاداد، درویش، جنگ اوکراین؛ درآمدی بر نظم جهانی جدید، مجله امنیت بین الملل، ۵(۳۷)، ۱۴۰۱.
- رومی، فرشاد، آل سید غفور، سید محسن، رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ اوکراین دستاوردها و چالشها، فصلنامه پژوهش روابط بین الملل، دوره ۱۳، ۱۴۰۲.

- سمیعی، علیرضا اصفهانی و فرحمند، سارا. تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید، نشریه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۲(۳)، ۱۴۰۱.
- سمیعی، علیرضا، فرحمند، سارا. تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید، تهران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال ۱۲، شماره ۴۶، ۱۴۰۱.
- شاپوری، مهدی، بحران اوکراین دلایل پیامدها و چشم‌اندازها، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، شماره ۲۴، ۱۳۹۳.
- شیخ الاسلامی، محمد حسین، شیراوند، صارم، تاثیر تحولات ژئوپلیتیک اوکراین بر امنیت روسیه از منظر ژئوپلیتیک انتقادی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۹، ۱۳۹۶.
- صالحی، حمید، سجادی، مرضیه سادات، موانع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت اضطراری، سال ۱۴، ۱۴۰۱.
- عزیزی، ستار، موضع و دلایل حقوقی روسیه و شناسایی جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی و عدم شناسایی کوزوو، مجله حقوق بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.
- عزیزی، ستار، کرمی، موسی، قابلیت اعمال نظریه جدایی چاره‌ساز در شناسایی استقلال استانهای اونتسک و لوهانسک اوکراین، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۶۸، ۱۴۰۱.
- فخاری، رامین، جنگ اوکراین و عواقب متوجه ایران، دیپلماسی ایرانی، ۱۴۰۰.
- فلاحی، احسان، عامری، اسدالله، ریشه‌های حران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۹، شماره ۳۴، ۱۳۹۵.
- فهندژ، سعدی، سروش، علیزاده‌ف علی، قلندری، یعقوب، بیضایی، سجاد، ژئوپلیتیک انرژی دریای مدیترانه، مطالعات بنیادین کاربردی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۹۷، ۱۴۰۲.
- کلانتری، فتح‌الله و محمدی منفرد، حسن، نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل‌گیری نظم نوین جهانی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۱(۹۲)، ۱۴۰۲.
- کیمیکا، ویل، شهروندی چند فرهنگی، نظریه ای لیبرالی در بابا حقوق اقلیت‌ها، ترجمه ابراهیم اسکافی، چاپ ۲، ۱۳۹۸.
- مظاهری، محمد مهدی، جنگ اوکراین، رویکرد قدرتهای جهانی و سیاست جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۴۰۱.
- موسانی، علی یزدانی، عنایت‌الله، بصیری، محمد علی، اهمیت اوکراین و نقش آن در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۹، شماره ۳، ۱۴۰۲.
- میری نام‌نهاد، میلاد، امیدی، علی، هویت فرهنگی و منازعه روسیه و اوکراین، فصلنامه مطالعات آسیای و قفقاز، سال ۲، شماره ۱۱۹، ۱۴۰۱.
- وٹوقی، سعید، خیری، مصطفی؛ اوکرائی: عرصه تقابل غرب و روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴، ۱۳۹۵.

Abbas, S., (2020), Russian and Eurasia: Worls Affaris: The Journal of International Isusse, 24 (2), 90-105.

Azizi, Hamidreza (2023), "The Ukraine War: The View from Iran", The Cairo Review of Global Affairs, Fall and winter, pp. 23-28. Available at: <https://www.thecaireview.com/wp-content/uploads/2023/01/cr46-azizi-full-page-lr.pdf>.

De Maio, Giovanna (2016), "Russia's View of Ukraine after the Crisis", *Instituto Affari Internazionali*, Working Papers, Vol.16, No.4..

Etesami, S; Karami, Y; Rezaeivand, M. (2019). Ukraine's geopolitics and the interests of the great powers, *Journal of Humanities and Islamic Strategic Studies*, Second Year, No. 18, pp. 1-22. [In Persian].

Kendrick, M. (2020), Ukrainian Identify with the west and a Majority World Vote to Join NATO, *Morning Consult*.

Kissinger, H (2014). To settle the Ukraine crisis, Start at the End, *The Washington Post*, Retrieved from: <http://www.washingtonpost.com/opinions/henry-kissinger-to-settle-the-ukraine-crisis-start-at-the-end/2014/03/05/> 46da d8 68-a496-11e3- 8466-d34c451760b9_story .html, (Accessed on: 11/ 10/ 2021).

Lada, Akos (2015), *The Clash of Brothers: Wars to Avoid Diffusion in a Contagious World*, Doctoral dissertation, Harvard University.

Ministry of Infrastructure of Ukraine. (2019). A look at Transit Transport in Ukraine, Retrieved from: <https://mtu.gov.ua/files/A%20look%20at%20Transit%20Transport%20in%20Ukraine-Draft-Final-Report.pdf>, (Accessed on: 12/ 15/ 2021).

Mousaei, A; Yazdani, E. (2021). The Role of Immaterial Factors in the Annexation of the Crimea Peninsula to the Russian Federation, *Political and International Approaches*, Vol. 12, No. 4, pp. 153-180, (DOI: 10.29252/PIAJ.2021.210729.0). [In Persian].

Protsyk, Oleh, (2008) "Majority-Minority Relations in Ukraine", *Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe*, vol. 7, No. 1, , p. 2.

Richter, W. (2014). Die Ukraine-krise: die dimension der paneuropäischen sicherheitskooperation, *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*, No. 23, pp. 1- 8.

Shelest, Hanna (2015), "After the Ukrainian crisis: Is there a Place for Russia?", *Southeast European and Black Sea Studies*, Vol.15, No.2

Sonnleitner, Dominik (2016), "Russia's Backyard – Unresolved Conflicts in the Caucasus", *Politics in Central Europe*, Vol. 12, No. 1.

Steemit. (2017). The Black Sea, Retrieved from: <https://steemit.com/russia/@swansmere/the-black-sea>, (Accessed on: 12/7/2021).

The Conversation. (2022). Why many Ukrainians speak Russian as their first language, Retrieved from: <https://theconversation.com/why-many-ukrainians-speak-russian-as-their-first-language-190856> (Accessed on: 3/14/2023).

The Geopolitical Impact of the 2022 War Between Russia and Ukraine on Iran's National Security

Mohammad Rauf Heydari Far

Associate Professor of Payam Noor University, Ravansar

Farzad Rezaei

Master's degree in Political Geography, Payam Noor Ravansar University

Abstract

Ukraine crisis is an important situation in the world arena. This research aims to evaluate Russia's motives for attacking Ukraine and its impact on the national security of our country. This research is descriptive-analytical. The research data is the result of library-documentary studies. The research findings were made possible by using rational analysis. The results showed that the Kremlin's motives for attacking Ukraine have geopolitical, geo-economics, geo-cultural, etc. dimensions. It was also found that Russia's attack on Ukraine could provide significant opportunities to Iran, but it could not use these opportunities for national interests. On the other hand, with Russia's side support in this war, many threats were formed against the national security and national interests of our country, all of which are mentioned in the text of the research.

Keywords: geopolitics of war, Russia, Ukraine, Iran's security, geopolitical region.